



معاونت فقهی دانشگاه آزاد اسلامی

پژوهشگاه قرآن و معنویت

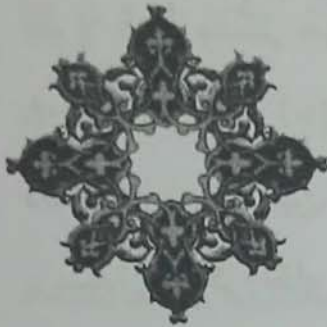
شماره استاندارد بین‌المللی:

۱۷۳۵ - ۸۷-۱

سجده متین

شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

- ابرار و سوره انسان با توجه به روایات
- بررسی دیدگاه ابن عربی در «تنزیه و تشبیه»
- بررسی دیدگاه‌های مختلف تفسیری درباره تعلیم اسما به آدم (ع) و مقایسه آن با عهد عتیق
- تاریخچه‌ی ترجمه‌ی قرآن به روسی و مقایسه‌ی کوتاه ترجمه‌های موجود
- تاریخ‌گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیل ترکیبی اسناد - متن: امکانات و محدودیت‌ها
- تحلیل زبان شناختی اهمیت وازگانی ترجمه‌ها و تفاسیر کهن قرآن
- چهار پارادایم تفسیری شیعه: مقدمه‌ای در تاریخ تفسیر شیعی بر قرآن کریم



ابرار و سوره انسان با توجه به روایات

دکتر عباس اسماعیلی زاده^۱

مریم نساج^۲

(صفحه: ۷-۲۵)

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۳

چکیده

برخی از آیات قرآن در شأن اهل بیت (ع) است. از جمله، آیات سوره انسان که در شأن حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و خادم ایشان فضا نازل شده است. عبادالله از اصل چشمه بهره مند می شوند و ابرار فقط از جامی که از آن چشمه پر شده است. این آیات بیانگر دو مقام متفاوت است: مقربان و ابرار که مقام ابرار نازلتر از مقام مقربان است. چگونگی ناظر بودن آیات این سوره به این دو گروه در خور بحث و بررسی است.

کلید واژه‌ها: سوره انسان، شأن نزول، ابرار، عبادالله.

طرح مسأله

شان نزول آیات «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» (الإنسان، ۵). «وَيُطْعَمُونَ أَلْطَعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا. إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا قَمَطِرَ يَبْعُوسًا» (الإنسان، ۸-۱۰) اهل بیت (ع) دانسته شده است.^۱ در این آیات وفا کنندگان به نذر و اطعام دهندگان به مسکین، یتیم و اسیر، با نام ابرار معرفی شده‌اند و درباره آن می‌توان پرسید که اگر مقام این بزرگواران برابر با مقام ابرار شمرده شود، این مطلب با آیات دیگر قرآن درباره نازل بودن مرتبه ابرار نسبت به مقربان چگونه هم خوانی می‌یابد؟

در آیات سوره مطففین چنین آمده است: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ. وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ. كِتَابٌ مَرْقُومٌ. يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ. إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ. عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ. تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ. يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ. خِتْمُهُ مِسْكٌَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ. وَمِمَّا أَجْتَهُ مِنْ تَسْنِيمٍ. عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» (۱۸-۲۸). بر اساس این آیات مقربان نامه ابرار را در علین مشاهده می‌کنند، و از سرچشمه آنچه ابرار به صورت جرعه می‌نوشند سیراب می‌شوند (طالقانی، ۳/۲۵۵؛ طباطبایی المیزان، ۲۰/۲۳۵؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱۱): اگر ابرار برابر با اهل بیت (ع) هستند مقربان که مقامی بالاتر دارند چه کسانی هستند؟ و آیا این

^۱ اکثر این آیات را در شأن اهل بیت (علیهم السلام) از جمله حضرت علی (ع)، حضرت زهرا (س)، حسین (ع) و فضه می‌دانند و از جهت تطبیق، با همه اهل بیت (ع) قابل صدق است، اما از جهت سبب نزول، این آیات در شأن حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) و فضه نازل شده است. در صفحات بعد روایات شأن نزول به تفصیل آورده شده است.

نشان دهنده نفی فضیلت اهل بیت (ع) است؟

برای پاسخ به این سؤال نخست به بررسی آیات مربوط این بحث و سیاق آن‌ها می‌پردازیم و سپس روایات شأن نزول و تحلیل آن را بیان می‌کنیم.

آیات مرتبط با این بحث از چند جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- بررسی آیات مربوط به ابرار و عبادالله با توجه به سیاق آیات سوره انسان

- بررسی آیات مربوط به ابرار در قرآن کریم

- بررسی آیات مربوط به مقربین و عبادالله در قرآن کریم

مقدمه

شیعیان معتقدند که حضرت حق باری تعالی با بیان های مختلف در حاشیه و کنایه سعی در بیان اثبات اهل بیت (ع) دارد. این مطلب از آیات مهمی استنباط می‌شود که سبب نزول و شأن آن‌ها موضوع اهل بیت (ع) می‌باشد، و از دیرباز مورد توجه خاص و عام بوده است. از جمله این آیات که مورد عنایت ویژه‌ای است آیاتی از سوره انسان در شأن حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و خادم ایشان فضا است.

برخی با طرح شبهاتی اصل نزول این سوره را در شأن این بزرگواران زیر سؤال برده‌اند و تردیدهایی پیرامون آیات این سوره و شأن نزول آن مطرح نموده‌اند، لذا بزرگان شیعه دغدغه اثبات نزول این سوره در شأن این بزرگواران را داشته‌اند (رک: دنباله مقاله).

اکثر علما در تفاسیر و کتب خود هنگامی که به این آیات می‌رسند سخن از شأن نزول خاص این آیات دارند. از جمله می‌توان از حبری کوفی (د. ۲۸۶ق) در تفسیر خود (ص ۳۲۶)، علی بن ابراهیم (د. ۳۲۹ق) در تفسیر قمی (۲/۳۹۹)، فرات بن ابراهیم (د. ۳۵۲ق) در تفسیر فرات (ص ۵۱۹)، شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق) در *امالی* (۲۵۷-۲۶۲)، شیخ طوسی (د. ۴۶۰ق) در *مصباح المتهجد* (ص ۷۶۷) طبرسی (د.

۵۴۸ ق) در مجمع البیان (۱۰ / ۶۱۲)، قطب الدین راوندی (د. ۵۷۳ ق) در الخرائج و الجرائح (۲ / ۵۳۹-۵۴۰)، ابن شهر آشوب (د. ۵۸۸ ق) در مناقب آل ابی طالب (ع) (۳ / ۱۴۴-۱۴۵) و دیگران نام برد.

تک‌نگاری‌ها و مقالاتی هم در پاسخ به این ابهام‌ها و شأن نزول آیات هم از نظر سند و هم از نظر محتوا به نگارش در آمده است. از جمله احمد بن محمد عاصمی در کتاب خود با نام العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سورة هل اتی به بررسی سند آن می‌پردازد نزول سورة هل اتی فی أهل بیت المصطفی از سید علی حسینی میلانی که هم از جهت سندی و هم محتوایی به بررسی این سوره پرداخته است. همچنین مقالاتی از پروین بهارزاده، صمد عبداللهی و مهدی جلالی درباره این موضوع منتشر شده است (رک: مآخذ مقاله حاضر).

آیات مربوط به ابرار و عبادالله در سوره انسان

خداوند در ۱۷ آیه از سوره انسان از ویژگی‌های ابرار یاد فرموده و از منزلت آنان، اعمالشان در دنیا و پاداشی که به آنان داده می‌شود سخن گفته است (آیات ۵-۲۲). نخست به سیاق دو آیه اول از این ۱۷ آیه که سخن از منزلت ابرار است، می‌نگریم: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَتْ مِزَاجُهَا كَافُورًا. عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» (۵-۶) نیکان از جامی نوشند که آمیزه‌ای از کافور دارد، چشمه‌ای که عبادالله از آن می‌نوشند و جاریش می‌کنند.

درباره «عیناً» وجه‌های اعرابی مختلفی بیان شده است. در میان آن‌ها آن چه درست تر می‌نماید این است که «عیناً» بدل از «کافوراً» است و مرتبه «کأس» با «عین» متفاوت خواهد بود و «عیناً» برتر و بالاتر از آن است که گویی چشمه و اصل منبع است (رک: زمخشری، ۴ / ۶۶۷؛ نیشابوری ۶ / ۴۱۲).

اسلوب آیات نشان می‌دهد که ابرار تنها از جامی می‌نوشند که مزاج آن

آمیخته با کافور است، اما عبادالله از خود چشمه کافور، از اصل منبع و سرچشمه ناب و خالص آن بهره می برند. از آن چه عبادالله سیراب می شوند ابرار فقط جرعه‌ای می نوشند. پس عبادالله گروهی غیر از ابرار و برتر از آن هایند.

با اسلوبی مشابه، در آیات ۱۷-۱۸ آمده است: «وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْجُهَا زَنْجَبِيلًا. عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا» در این جا به ابرار شرابی که آمیخته با زنجبیل است نشانده می شود، اما همچنان از خود چشمه‌ای که سلسبیل نام دارد بهره‌ای ندارند، و تفاوتی که این تعبیر با آیات ۵ و ۶ دارد این است که در آن آیات فعل «یَشْرَبُونَ» با صیغه معلوم و در این آیات فعل «يُسْقَوْنَ» با صیغه مجهول به کار رفته است.

در آیه ۲۱ نیز «...وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» آمده است به این معنا که خود خداوند آنان را سیراب می کند و به آنان شراب می نوشاند. در آیات قبلی آب را با واسطه از چشمه می گیرند و در این آیه بدون واسطه، ابتدا اثری از خوف در آنان است -إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا- و آن گاه جز از نعمت، سخنی نیست. پس هر چه پیش می رویم اطلاق، وسعت و لایتناهی بودن بیش از بیش رخ می نماید. بدین ترتیب به نظر می رسد این واژه دارای مراتبی است و به یک مرتبه ختم نمی گردد. به این منظور به بررسی این واژه در آیات قرآن کریم می پردازیم:

ابرار جمع «بر» و در لغت به معنای توسعه دادن (التوسع) آمده است و به این قرار بیابان وسیع را عرب «بر» مقابل بحر یعنی دریا گوید و هر عمل نیکی را بر گوید: گاهی بر نسبت به خدا ذکر شده (انه هو البر الرحيم) و گاهی نسبت به خلق بیان شده است (و برا بوالديه). بر، نسبت به خداوند به معنی ثواب و عطا و احسان است و نسبت به عبد اطاعت و انجام عمل نیک است (راغب، ۱۱۴؛ طریحی، ۲۲۰/۳؛ مصطفوی، ۲۴۹/۱).

آیاتی که در تبیین «بر» آمده به اعتباری به چند دسته تقسیم شده است:

۱. آیاتی که ابرار را معرفی و جایگاه آنان را بیان کرده است. سوره انفطار
 ابرار را چنین توصیف می‌کند: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (الإنفطار، ۱۳) ابرار در ناز
 و نعمت اند. همین تعبیر در سوره مطففین کامل‌تر بیان شده است: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ
 الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ . وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ . كِتَابٌ مَّرْقُومٌ . يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ . إِنَّ
 الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ . عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ . تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ . يُسْقَوْنَ
 مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ . خِتْمُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ . وَمَرْآجُهُمْ مِنْ
 تَسْنِيمٍ . عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» (المطففین، ۱۸-۲۸). کتاب ابرار در علین
 است که مشهود مقربان است. و ابرار در نعیم، مسرور و نشسته بر تخت‌های
 بهشتی ناظر دیگران هستند. بنابراین خدای سبحان برای ابرار مقامی بس بلند قائل
 است؛ از این رو تمنای فرزندگان و اولوالألباب این است که با ابرار بمیرند: «رَبَّنَا
 إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامِنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا
 وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران، ۱۹۳) که در این صورت با آن
 ها محشور خواهند شد.

۲. آیاتی که به بر و نیکی دعوت و امر کرده و از فجور و عصیان و عدوان
 که مقابل بر و نیکی است نهی می‌کند؛ مانند «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا
 تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...» (المائدة، ۲). «يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَنَجَّيْتُمْ فَلَا
 تَتَنَجَّوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَجَّوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ...» (المجادلة، ۹).

۳. آیاتی که با بیان معنای بر راه رسیدن به نیکی و مقام ابرار را بازگو
 می‌کند. جامع‌ترین آیه در این گروه، آیه «* لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوْهَكُمْ قِبَلَ
 الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَآلَمَلِكَةِ وَالْكِتَابِ

وَالنَّبِيِّنَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ
وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤَفَّرَاتِ بَعْدَهُمْ إِذَا
عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ
هُمُ الْمُتَّقُونَ» (البقرة، ۱۷۷) است. در این آیه خداوند بر را اعتقاد به خدا، قیامت،
فرشتگان، کتاب های آسمانی و پیامبران و انجام دادن تکالیف عبادی و وظایف
مالی و مسئولیت های اجتماعی و اخلاقی بیان می کند. تعبیر «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» در این آیه نشان می دهد که خداوند صدق و تقوای ابرار
را امضا فرموده است و از این رو هر کرامت که برای صادقان و متقیان ذکر شود،
ابرار نیز از آن بهره مندند (جوادی آملی، تسنیم، ۱۲۹/۹-۱۳۵).

در همین آیه عبارت «وَأَاتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ» شبیه عبارت «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ
عَلَىٰ حُبِّهِ» در سوره انسان می باشد و در برگشت مرجع ضمیر این دو آیه نظرها
و وجه هایی مختلف ذکر شده است.^۱

مراتب ابرار

با توجه به برگشت ضمیر به مرجع های متفاوت، ابرار دارای مراتب می باشند.
اگر ضمیر به «مال» برگردد یعنی این که با آن که مال محبوب آن هاست و خود
به آن نیازمندند آن را در راه خدا می دهند. آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا
تُحِبُّونَ^۲ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران، ۹۲) هم بیان کننده
همین مطلب است که فرد گام نخست در راه رسیدن به بر و نیکی، انفاق چیزی
است که مورد علاقه است. لذا آن چه مهم می باشد این است که فرد با انفاق مال

۱. از جمله سید مرتضی در کتاب *مالی* برگشت ضمیر را به «مال»، «من ءامن بالله»، «ایتهاء» و «الله» دانسته است.

محبوب و خوب در راه خدا، خود را از مال دوستی می‌رهاند و به مقام ابرار راه می‌یابد. اما اگر این ضمیر به «ایتاء مال» برگردد یعنی وی پس از ورود به مقام ابرار، از شر مال دوستی نجات یافته و به مال علاقه ندارد، به اعطا و ایتاء مال در راه خدا علاقه‌مند است و بخشش مال، محبوب اوست. این مرحله مقام متوسط ابرار است که وی از جود و سخا لذت می‌برد و هنوز به آن خلوص محض نرسیده است که فقط خدا را ببیند و اگر ضمیر به «الله» باز گردد نظر به انسان‌های کاملی دارد که مراحل ابتدایی بر را گذرانده و به مراحل نهایی مقام ابرار رسیده‌اند و اعطاء مال آن‌ها بر پایه‌ی حب «خدا» است نه بر اساس حب «مال» و نه دوستی «بخشش مال»، که این آخرین و برترین مقام در اعطا و ایتاء مال و اطعام است. لذا انسانی این چنین، از مقربان است که والاترین مرتبه مقام بر را حائز و برتر از ابرار است. ایشان را بر پایه حب خدا می‌بخشند: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (الإنسان، ۸-۹). لذا؛ ابرار آن گاه که به اوج مقام خود برسند می‌توانند به مقام مقربان باریابند (جوادی آملی، تسنیم، ۹ / ۱۰۸-۱۱۸) این مسأله، بررسی آیات مربوط به مقربان و مقام آن‌ها در قرآن را می‌طلبد.

بررسی آیات مربوط به مقربان و عبادالله در قرآن کریم

در این قسمت آیاتی که در قرآن با لفظ «مقربان» و «عبادالله» به کار رفته است بررسی می‌شود.

در این آیات حضرت مسیح و ملائکه جزء مقربان دانسته شده و به این صفت وصف شده‌اند. «إِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يٰمَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران، ۴۵). «لَنْ يَسْتَنكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلٰٓئِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنكِفْ عَنْ

عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرُ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا» (النساء، ۱۷۲). ملائکه و حضرت مسیح با عبادت خداوند و بندگی او مقرب درگاه او گردیدند (طباطبایی، المیزان، ۵/۱۵۱).

آیاتی که در سوره مبارکه واقع آمده است، مردم را به سه گروه تقسیم می‌کند. مقربان، اصحاب میمنه (یمین) و اصحاب مشئمه (شمال): «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً . فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ . وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ . وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ . أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (الواقعة، ۷-۱۱). طباطبایی در رساله الولاية با نظر به سوره واقع به دسته‌بندی این سه گروه پرداخته است:

۱. گروه اول مقربان هستند؛ انسان‌های تام الاستعدادی که در مقام علم و عمل انقطاع تام دارند و کاملاً دل از عالم ماده کنده‌اند و یقین کامل به معارف الهی دارند و دلبستگی‌شان فقط خداست، این چنین انسانی می‌تواند ماوراء طبیعت را مشاهده نماید و اشراف بر انوار الهی پیدا کند.

۲. گروه دوم انسان‌های تام الایقان و اهل یقین که انقطاع تام از عالم طبیعت ندارند و این به جهت آن است که هنوز تحت تأثیر افکار نادرست و یأس آور و مورد تهاجم بعضی از دلبستگی‌های دنیوی قرار دارند که این امور آن‌ها را از توجه نمودن کامل به ماوراء طبیعت و رهایی کامل از نشئه ماده، ناامید می‌سازد.

۳. گروه سوم کسانی هستند؛ در ظاهر طبیعت که «متاع غرور» است مانده‌اند و راهی به باطن پیدا نکرده‌اند، آنان اصحاب دنیا یا اصحاب مشئمه اند (طباطبایی، رساله الولاية، ۱۶۲). اصحاب شمال در سوره انسان برابر با همان کافران است که در آیه ۴ از آنان یاد می‌فرماید. همچنین آیات ۱۲-۲۰ سوره بلد کسانی را کافر هستند جزء اصحاب مشئمه می‌داند. درباره گروه دوم از راه نیافتن آنان به باطن باطن یاد شده است (رک: جوادی آملی، رساله الولاية، ۹۴). ایشان ابرار همان

اصحاب یمین دانسته شده اند که در مقام عمل به درجه کامل نرسیده‌اند. اگر ابرار برابر با اصحاب یمین باشد طبق آنچه در سوره واقعه مقام ابرار از مقربان نازل‌تر است. شماری از مفسران نیز گفته‌اند که مراد از ابرار اصحاب یمین هستند که مقامشان از مقربان تا حدی نازل‌تر است (قرشی، ۱۳۹/۱۲؛ ثعالبی ۵۶۵/۵؛ ابن جزئی غرناطی، ۴۶۳/۲؛ ابن عطیه اندلسی، ۴۵۴/۵). نازل بودن مرتبه ابرار نسبت به مقربان از آیات قرآن هم به دست می‌آید. خدای سبحان در آیات ۱۸-۲۱ سوره مطفین فرموده است که مقربان، کتاب مرقوم را که در علین است مشاهده می‌کنند و از نزدیک آن را می‌نگرند. این تعبیر خود نشان می‌دهد که مقام مقربان از ابرار بالاتر است (طالقانی، ۲۵۵/۳؛ طباطبایی، المیزان، ۲۰/۲۳۵).

در ادامه آیات فوق (۲۲-۲۸) آمده است که ابرار در بهشتند و آن‌ها از رحیق مختوم نوشانده می‌شوند. رحیق مختوم آمیزه‌ای از چشمه تسنیم است که مقربان از آن می‌نوشند. به عبارت دیگر به ابرار فقط جرعه‌ای از آن چشمه نوشانده می‌شود و قدح آنان پر می‌شود، اما مقربان از شراب ناب خالص الهی بهره‌مندند. این معنا به دو نکته دلالت می‌کند: اول این که تسنیم از رحیق مختوم گران‌قدرتر است، چون رحیق مختوم با آمیخته شدن به تسنیم لذت بخش‌تر می‌شود. دوم این که مقربان در درجه بالاتری از ابرار قرار دارند (قرشی، ۱۴۱/۱۲؛ طباطبایی، المیزان، ۲۰/۲۳۹؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱۱۶؛ صادقی تهرانی، ۳۰/۲۲۳؛ دشتکی، ۱۳۱؛ اصلاحی، ۱۱۶) این مطلب در روایات هم ذکر شده است: «أشرفُ شرابِ أهل الجنة هو تسنیم، لأنه يشربه المقربون صرفاً، و يمزج لأصحاب الیمین» (طبرسی، ۱۰/۶۹۱).

طبق این روایت نوشیدنی اصحاب یمین ممزوج به چشمه‌ای است که مقربان از آن سیراب می‌شوند. لذا نهرهای بهشتی در فضیلت متفاوتند و برترین آن‌ها تسنیم است و مخصوص والاترین بهشتیان که همانا مقربان‌اند؛ آن‌ها جز به

مشاهده وجه الله مشغول نیستند و اصحاب یمین که نوشیدنی آنان ممزوج و آمیخته است گاه نظرشان به خدای تعالی و گاه به مخلوقاتش است (رازی، ۹۳/۳۱؛ نیشابوری، ۴۶۷/۶).

براساس آن چه گفته شد، می‌توان گفت که نسبت میان ابرار و مقربین، نسبت «عموم و خصوص مطلق» است، یعنی همه مقربان از ابرارند، ولی همه ابرار در سلک مقربان نیستند (مکارم شیرازی، ۲۷۹/۲۶) و مقربان، مرحله عالی مقام ابرار را دارا هستند، زیرا بین آن‌ها فاصله وجودی نیست و عالی‌ترین درجه ابرار نازل‌ترین درجه مقربان است (جوادی آملی، تسنیم، ۱۱۷). همان‌طور که در آیات سوره مطففین دیده شد، در این سیاق، سخن از یک مقام نیست. فعل مجهول یُسْقَوْنَ در «يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ» نشان می‌دهد که ابرار از دست دیگری می‌نوشند.

در سوره انسان هم فراخور مقامات ابرار و نوع مشروب، شرب آن هم به خودشان نسبت داده شده: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ» (الإنسان، ۵) و هم به ساقی مجهول آمده «وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا» (الإنسان، ۱۷) و در آخرین مرتبه نسبت به رب داده شده است «... وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (الإنسان، ۲۱) لذا در آیه «يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ» و آن آیه سوره انسان که فعل آن مجهول آمده است، گویا اشاره‌ای به مرتبه‌ای از مقام ابرار دارد که هنوز به مقام عالی قرب و شهود نرسیده‌اند. در این مقام هنوز رخ ساقی و سرچشمه آن رحیق نمایان نیست. آن چه در می‌یابند از ماوراء حجاب و در ظرف محدود «کأس» است و مزاج زنجبیلی است و هنگامی که از همه تعلقات وارهند، به سرچشمه می‌رسند و از فیض رب سیراب می‌شوند. لذا ابرار به دست دیگری و در ظرف در بسته از رحیق ممزوج نوشانده شوند و مقربان از سرچشمه خالص خود می‌نوشند (طالقانی، ۲۵۸/۳-۲۶۰).

آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مطففین «وَمَزَاجُهُمْ مِنْ تَسْنِيمٍ . عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» از نظر اسلوب شبیه آیات ۵ و ۶ سوره انسان است: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا . عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» (قرشی ۱۲ / ۱۴۰) اگر میان آیات این دو سوره تطبیق به عمل آید، نکته های ظریفی به دست می آید (طباطبایی، المیزان، ۱ / ۴۳۰). از طریق تطبیق آیات سوره های انسان و مطففین، برتر بودن مقام عبادالله را نسبت به ابرار بیان می کند و از طریق آیات سوره های واقعه و حجر، «عبادالله» را در سوره انسان را همان مقربان درگاه الهی می داند، کسانی که جزء مخلصین اند و شیطان بر آن ها تسلط پیدا نمی کند.

بنابر آنچه از سیاق آیات سوره انسان و آیات دیگر قرآن به دست می آید، آیات سوره انسان درباره ابرار می پردازد، ناظر بر یک مقام و گروه نمی باشد. مفاد آیات هم سو و هم جهت نیستند، و ناظر به دو گروه مقربان و ابرار است. روایات شأن نزول آیات سوره انسان، هم در کتب شیعه و هم در کتب اهل سنت به چشم می خورد. لیکن درباره تقسیم بندی روایات، می توان پرسش را طرح کرد که فضا در این واقعه حضور داشته است یا خیر و این آیات در شأن او نیز نازل شده است یا خیر؟ از این دید، روایات به دو دسته تقسیم می گردند: در گروهی از روایات فضا نام برده نشده است.

در تفسیر مقاتل بن سلیمان، شأن نزول آیه، هم برای شخصی به نام ابودحداح آمده است و هم برای حضرت امیر(ع): «نزلت فی أبی الدحداح الأنصاری و یقال فی علی بن اَبی طالب» (۳ / ۴۲۸).

ابو جعفر اسکافی به ذکر خصوصیات حضرت امیر(ع) در آیات می پردازد و بیان می کند که این سوره برای ایشان و همسر و فرزندانشان نازل شده است:

«وهو الذى أطعم الطعام على حبه مسكيناً و يتيماً و أسيراً، فنزلت فيه وفى زوجته و ابنه سورة كاملة من القرآن (وهى سورة الدهر)» (اسكافى، ۷۳ - ۷۷).

در کتاب *خصال*، حضرت امیر (ع) در برابر ابوبکر چهل و سه دلیل برای حقانیت خود اقامه می‌کند، از جمله چنین آمده است: «حدثنا أحمد بن الحسن القطان . قال حدثنا أبو سعيد الوراق عن أبيه عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده: قال فأنشدك بالله أنا صاحبُ الآيةِ «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» أم أنت» (ابن بابویه، *الخصال*، ۵۴۹/۲).

در تفسیر قمی نیز این بیان شده است: «كان عند فاطمة (س) شعيرٌ فجعلوه عصيدةً...، فقال اليتيمُ رحمكم اللهُ أطمعونا مما رزقكم اللهُ، فقام على (ع) فأعطاه... فقام على (ع) فأعطاه الثلثَ الباقي، و ما ذاقوها فأنزل اللهُ فيهم هذه الآيةَ إلى قوله «وَ كَانَ سَعِيكُمْ مَشْكُورًا» فى أمير المؤمنين (ع) و هى جاريةٌ فى كلِّ مؤمنٍ فعَلٌ مثلَ ذلكَ لله عزَّ و جلَّ.» (۲ / ۳۹۹)

در کتاب تفسیر فرات کوفی با نقل‌های متعدد این آیه را در شأن اهل بیت (ع) می‌داند که یکی از آن‌ها را بیان می‌کنیم: ...نزلت فى على و فاطمة أصبحا و عندهم ثلاثة أرغفة فأطعموا مسكيناً و يتيماً و أسيراً فباتوا جوعاً فنزلت فيهم هذه الآية...» (ص ۵۱۹).

سمرقندی در تفسیر خود (۵۰۴/۳)، محمد بن سلیمان کوفی در کتاب *مناقب امیرالمؤمنین* (محمد بن سلیمان، ۵۸ / ۱ - ۵۹)، واحدی در *اسباب النزول* (۲۹۶ - ۲۹۷)، ابن مردویه اصفهانی در کتاب *مناقب* (۳۴۲ - ۳۴۵)، قطب الدین راوندی در کتاب *الخرائج و الجرائح* (۵۳۹/۲ - ۵۴۰) همین ماجرا را با نقل معنای متفاوت جزئی بیان کرده اند.

شیخ طوسی هم این سوره را در شأن اهل بیت (ع) می‌داند و روز نزول این سوره را، در بیست و پنجم ذی الحجه بیان می‌کند (طوسی، ۷۶۷).

در کتاب المزار، زیارتی برای حضرت امیر (ع) در روز غدیر بیان شده که در آن زیارت چنین آمده است: ... یا امیر المؤمنین ... أنتَ مطعمُ الطعامِ علی حبه مسکیناً ویتیمأً وأسیراً لوجه الله لا نریدُ منهم جزاءً ولا شکوراً، وَفیک انزلَ اللهُ تعالی: وَیُؤْثِرُونَ عَلَیْ أَنْفُسِهِمْ» (حشر، ۹؛ ابن مشهدی، ۲۶۳-۲۷۲).

دسته دوم روایاتی است که به غیر از اهل بیت (ع) از فضا، خادم آن حضرت (س) هم یاد می‌کند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

ابن بابویه در مجلس چهل و چهارم از امالی خود چنین آورده است: «... و کذلک قالت فاطمةُ (س) وَ قَالَ الصبیانُ وَ نحنُ أيضاً نَصومُ ثلاثةَ اَیامٍ وَ کذلک قالت جاریتُهُمْ فَضَةُ فَأَلْبَسَهُمَا اللهُ عافیةً فَأَصْبَحُوا صیاماً ... (الأمالی، ۲۵۷-۲۶۲).

در تفسیر فرات کوفی با دو سند چنین آمده است: ۱. «... فقال عمرُ لعلی یا أبا الحسن إن نذرتَ لله نذراً واجباً فإن کل نذر لا یكونُ لله فلیس منه وفاءُ فقال علی بنُ أبی طالب إن عافی اللهُ ولدی مما بهما صمتُ لله ثلاثةَ اَیامٍ متوالیاتٍ وَ قالت فاطمةُ مثلَ مقالةِ علی وَ كانت لهم جاریةٌ نوبیةٌ تدعی فَضَةَ قالت إن عافی اللهُ سیدی بما بهما صمتُ لله ثلاثةَ اَیامٍ ...» ۲. «... قال نزلت فی علی بنِ أبی طالب (ع) وَ زوجته فاطمةُ وَ جاریةُ لهما وَ ... ثمَّ جاءَ أسیرٌ من أسراءِ أهلِ الشریک فی أیدی المسلمینِ یستطعمُ فأمرَ علیُّ السوءاءَ خادمَهُم فأعطته صاعها فنزلت فیهم الآیةُ «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَی حُبِّهِ، مَسْکِیناً وَیَتِیماً وَأسیراً . إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِیدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلا شُکُوراً» (الإنسان، ۸ - ۹) (ص ۵۲۰).

احمد بن محمد عاصمی در کتابش با نام العسل المصفی من تهذیب (۶۰/۱) ابن بطریق در خصائص وحی المبین (۱۷۵ - ۱۸۰)، قرطبی در جامع الأحکام (۲۰/۱۳۰) و زمخشری در الکشاف (۶۷۰/۴) در بحث شأن نزول این سوره از فضا در این ماجرا یاد می‌کنند.

حاکم حسکانی سندهای متعددی آورده است. ما یکی از آن ها که روایتی است از حضرت امیر(ع) بیان می کنیم: «...: یا أبا الحسن لو نذرتَ علي ولديكَ لله نذراً أرجو أن ينفعهما الله به، فقلتُ: علي لله نذراً لئن برأ حبيبي من مرضهما لأصومنَّ ثلاثة أيام فقالت فاطمة: وَعَلي لله نذراً لئن برأ ولدَي من مرضهما لأصومنَّ ثلاثة أيام، وَ قالت جاريتهُم فضة: وَعَلي لله نذراً لئن برأ سيداي من مرضهما لأصومنَّ ثلاثة أيام...» (۲/۳۹۴-۴۱۸).

ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب (۳/۱۵۱-۱۵۲) و خوارزمی در مناقب (خوارزمی، ۲۶۷-۲۶۸) هم از حضور حضرت فضا در این واقعه خبر می دهد و این که ایشان هم با آن ها نذر کرده و روزه گرفتند و طعام خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند.

در کتاب اسد الغابة که به معرفی صحابه پیامبر و یاران نزدیک ایشان پرداخته است وقتی به نام فضا می رسد همین جریان را نقل می کند: «... فقال علي إن برأ مما بهما صمتُ لله عزوجلَّ ثلاثة أيام شكراً وَ قالت فاطمةُ كذلك وَ قالت جاريةُ يقال لها فضا نوبيةُ ان برأ سيداي صمتُ لله عزوجلَّ شكراً فألبس الغلامان العافيةَ وَ ليسَ عندَ آل محمد قليل ولا ... و مكثوا ثلاثة أيام و لياليها لم يذوقوا الا الماءَ فَأتاهم رسولُ الله صَلَّى اللهُ عليه وسلم فرأى ما بهم من الجوعِ فَأَنْزَلَ اللهُ تَعَالَى هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ...» (ابن اثير، ۵/۵۲۹-۵۳۰).

تحليل روایات شأن نزول

روایات دسته اول به چندگونه بیان شده اند:

۱. برخی از روایات فضیلت امام علی (ع) را بیان می دارند و به طور خاص در مقام بیان شأن نزول آیات به طور تخصصی نمی باشند، برای نمونه در کتاب خصال آمده است که حضرت علی (ع) در احتجاج با ابوبکر به دفاع از خود می پردازد و

خود را مصداق این آیه می‌داند. روایتی که در کتاب *المزار* آمده است، نیز همین گونه است. زیارت روز غدیر به توصیف امام می‌پردازد، از جمله این که شما همان کسی بودید که طعام خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدید.

۲. برخی از تفاسیر مانند تفسیر *مقاتل* این آیه را در شأن ابودحداح نیز معرفی نموده اند که برای این مسأله دلیل روایی و قرآنی و تاریخی در اختیار نداریم.

۳. برخی از تفاسیر تنها به بیان شأن نزول پرداخته‌اند، و به شرح کامل واقعه نپرداخته‌اند، بلکه به اختصار از آن سخن گفته‌اند. مانند تفسیر قمی، *اسباب النزول* واحدی، *المعیار و الموازنه* و...

در این گروه از روایات نامی از فضا دیده نمی‌شود.

روایات دسته دوم به تفصیل به شرح واقعه پرداخته‌اند. منابع این روایات چنان که گذشت عبارتند از: *أمالی صدوق*، دو روایت از تفسیر فرات کوفی، *مناقب آل ابی طالب*، روایت امیرمؤمنان که حاکم حسکانی بیان داشته است و از حضور فضا در این جریان و شرکت ایشان با اهل بیت (ع) برنذر کردن و گرفتن روزه یاد می‌کنند.

هر چند به دلیل نقل به معنا، تفاوت‌های جزئی در این روایات دیده می‌شود اما کلیت رویداد در این روایات یکسان می‌باشد.

تفاوت‌های جزئی از جمله این که نذر آن‌ها در یک روز بوده است یا در سه روز، قرض گرفتن حضرت علی (ع) از شمعون یهودی برای تهیه غذا که در برخی روایات ذکر شده است، آیا پیشنهاد دهنده نذر، از طرف حضرت رسول بوده یا عمر و یا این که حسن و حسین (ع) هم در این نذر و روزه شرکت داشته‌اند یا نه، موضوعاتی است که در برخی روایات آمده و در برخی به گونه‌ای دیگر بیان شده

است لیکن در پژوهش‌های قبلی به بررسی این موضوع و نقد آن پرداخته شده است.^۱ براساس آنچه از تحلیل روایات به دست می‌آید، فضه هم جز نذر کنندگان و اطعام دهندگان است. بدین معنا که این آیات در شأن حضرت امیر (ع) و حضرت زهرا (س) و فضه خادم آن حضرت نازل شده است و این با ظاهر آیات سازگارتر است.

نتیجه

نزول آیات سوره انسان در شأن اهل بیت (ع) مسأله‌ای است اثبات شده که از دیرباز مورد توجه و اهمیت بوده و هست، و تفاسیر و کتب زیادی به آن پرداخته‌اند. بی تردید بیان صفت ابرار در قرآن منقستی برای این بزرگواران نمی‌باشد، چرا که آیات این سوره فقط ناظر به بیان مقام ابرار نمی‌باشد و از گروه دیگری به نام عبادالله هم سخن به میان آمده است. لذا مقام عبادالله ناظر به ایشان است که براساس آیات سوره واقعه که مردم را به سه دسته تقسیم می‌کند، مقربان برترین گروه‌اند. عبادالله در این سوره، همان مقربان و عباد حقیقی‌اند که بدون واسطه از خود چشمه سیراب می‌شوند، لذا آیات سوره انسان به گونه‌ای دو سویه پیش رفته است. سخن از ابرار می‌تواند ناظر به امثال فضه نیز باشد و جایی که مقام عبادالله است ناظر به حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) می‌باشد. البته این نکته قابل ذکر است که مقربان می‌توانند دارای مرتبه ابرار هم باشند، زیرا واجد مراحل بالاتر، مرحله پایین تر را نیز گذرانده است و حتماً آن را داراست.

منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دارالکتب العربی، [بی‌تا].

۱. از جمله مراجعه کنید به مقاله «بررسی روایات وارده در فضیلت اهل بیت (ع) در سوره انسان»، صمد عبدالهی عابد، علوم حدیث، ش ۵۶.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی*، ترجمه کمره ای، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ش، [بی جا].
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، قم، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن بطریق، یحیی بن حسن، *خصائص الوحی المبین*، به کوشش مالک محمودی، قم، ۱۴۱۷ق.
۵. ابن جزئی غرناطی، محمد، *کتاب التسهیل لعلوم التنزیل*، به کوشش عبدالله خالدی، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل اُبی طالب*، نجف اشرف، ۱۳۷۶ق.
۷. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۸. ابن مشهدی، *المزار الکبیر*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۴۱۹ق.
۹. اسکافی، ابو جعفر، *المعیار والموازنة*، به کوشش محمد باقر محمودی، ۱۴۰۲ق، [بی جا].
۱۰. اصلاحی، امین احسن، *تدبر قرآن*، دهلی، ۱۳۱۵ق.
۱۱. امین، نصرت، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، ۱۳۶۱ش.
۱۲. امینی، عبدالحسین، *التغذیر فی الکتاب و السنة و الأدب*، بیروت، ۱۳۹۷ق.
۱۳. ثعالبی، عبدالرحمان، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، قم، ۱۳۸۵ش.
۱۵. همو، «شرحی بر رساله الولاية»، *میراث جاویدان*، سال دوم، ش ۶.
۱۶. حبری، ابو عبدالله کوفی، *تفسیر*، به کوشش محمدرضا حسینی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۱۷. حسکانی، عبیدالله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل من الآیات النازلہ فی اهل البیت*، به کوشش محمد باقر محمودی، تهران، ۱۴۱۱ق.
۱۸. حسینی میلانی، علی، *تشییذ المراجعات و تفنید المکابرات*، قم، ۱۴۲۷ق.
۱۹. درویش، محیی الدین، *اعراب القرآن و بیانہ*، سوریه، ۱۴۱۵ق.
۲۰. دشتکی شیرازی، منصور، *تحفة الفتی فی تفسیر سورة هل اُتی*، به کوشش پروین بهارزاده، تهران، ۱۳۸۱ش.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۲۲. رافعی، مصطفی صادق، *اعجاز قرآن و بلاغت محمد*، تهران، ۱۳۶۰ش.
۲۳. رستگار جویباری، یعسوب الدین، *البصائر*، قم، ۱۴۰۲ق.
۲۴. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التاویل*، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲۵. سبط ابن جوزی، *تذکره الخواص*، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، [بی تا].
۲۶. سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر*، به کوشش محمود مطرجی، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
۲۷. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، ۱۳۶۵ش.

۲۸. طالقانی، محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۲۹. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، ۱۴۱۷ ق.
۳۰. همو، *رسالة الولاية*، تهران، ۱۳۶۰ ق.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۳۲. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، به کوشش سید احمد حسینی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المتجهد*، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۳۴. عاصمی، احمد بن محمد، *العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سورة هل آتی*، به کوشش محمد باقر محمودی، قم، ۱۴۱۸ ق.
۳۵. عبد اللهی عابد، صمد، «بررسی روایات وارده در فضیلت اهل بیت (ع) در سوره انسان»، *علوم حدیث*، سال سیزدهم، ش ۴۹-۵۰.
۳۶. قرشی، علی اکبر، *أحسن الحدیث*، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۳۸. قطب راوندی، *الخراج و الجرائح*، به کوشش محمد باقر موحد أبطحی، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر*، به کوشش سید طیب موسوی جزایری، قم، ۱۳۶۷ ش.
۴۰. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر الفرات*، به کوشش محمد کاظم محمودی، تهران، ۱۴۱۰ ق.
۴۱. کوفی، محمد بن سلیمان، *مناقب الإمام أميرالمؤمنین علي بن أبي طالب عليه السلام*، به کوشش محمد باقر محمودی، قم، ۱۴۱۲ ق.
۴۲. مرتضی، علی بن الحسین، *أمالی*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، ۱۴۲۹ ق.
۴۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۴۴. معرفت، محمد هادی، *علوم قرآنی*، قم، ۱۳۸۸ ش.
۴۵. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر*، به کوشش احمد فرید، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۴۷. نیشابوری، نظام الدین، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، به کوشش شیخ زکریا عمیرات، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۴۸. واحدی، علی بن احمد، *أسباب النزول*، دار الباز للنشر والتوزیع، ۱۳۸۸ ق، [بی جا].